

امام مهدی
(عج)

در

قرآن

رضوان عبدلی

دانشمندان شیعه از دیرباز، در ضمن کتب مربوطه و گاهی نیز در نوشته های مستقل، آیات متعددی را همراه احادیث مربوط به آن، در زمینه مهدویت گردآوری کرده اند. مرحوم شیخ علی حائری در مجموعه گراندردر «الزام الناصب»، بیش از صدوسی آیه و «علامه سید هاشم بحرانی» (قد) در کتاب شریف «المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة» صدویست آیه و در کتاب «المهدی فی القرآن» نیز عهده دار همین مهم گشته، با این ویژگی که روایات برگزیده را مستقیماً یا با واسطه، صرفاً از کتب اهل سنت نقل کرده است و شماره آیات آن به صدوپنج عدد می رسد.^۱

لکن حق این است که مطابق حدیث ثقلین، ائمه معصومین علیهم السلام جملگی قرآن ناطق هستند و این دو از هم جدا نیستند، منتهی این آیات ذکر شده در وصف حکومت جهانی اسلام بر سراسر گیتی و اقامه قسط و عدل در کل عالم مُلک از طریق حجة بر حق، دوازدهمین پیشوای مسلمین با زبان گویای معصومین علیهم السلام تاویل و تنزیل شده اند. ما به جهت رعایت اختصار در این مقاله به توضیح و تبیین دو آیه اکتفاء کرده ایم.

آیه اول:

«هو الَّذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کلّه ولو کره

(توبه/۹/۳۳)

المشركون»

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب

گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.^۲

مرحوم فیض کاشانی در کتاب تفسیر شریفشان^۳ روایاتی چند که موثق و صحیح هستند در این زمینه نقل می کنند.

۱. القمی (مرحوم قمی در مورد این آیه فرمودند): نزلت فی القائم من آل محمد علیه السلام قال هو الذی ذکرناه مما تاویلہ بعد تنزیله. وفی کمال عن الصادق علیه السلام فی هذه الایة «والله ما نزل تاویلها بعد ولا ینزل تاویلها حتی ینزل القائم، فاذا خرج القائم علیه السلام لم یبق کافر بالله العظیم ولا مشرک بالامام الاکبره خروجہ حتی لو کان کافر او مشرک فی بطن صخره لقاتل یا مومن فی بطنی کافر فکسرنی واقتله».

«به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم» خروج کند و هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار کند یا مشرک باشد، از قیام او کراهت خواهد داشت و اگر کافر یا مشرکی در درون سنگی مخفی باشد، آن صخره به زبان می آید و صدا می زند در درون من کافری است، مرا بشکن و او را بکش^۴.

این روایت از قول مقداد ابن اسود نیز نقل شده است.

۲. این روایت به صورت مفصل و طولانی در تفسیر چند آیه در اصول کافی آمده است: محمد بن فضیل عن ابوالحسن علیه السلام «... قلت: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق»، قال: هو الذی امر رسوله بالولاية لوصیہ والولاية هی دین الحق، قلت: «لیظهره علی الدین کله» قال: یظهره علی جمیع الادیان عند قیام القائم، قال: یقول الله متم نوره: ولاية القائم «ولو کره الکافرون» بولاية علی، قلت: هذا تنزیل؟ قال: نعم اما هذا الحرف فتنزیل واما غیره فتاویل...»

محمد بن فضیل می گوید: عرض کردم: اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است، فرمود: یعنی اوست که رسولش را به ولایت و وصییش امر کرد و ولایت همان دین حق است.

عرض کردم: «تا آنرا بر هر دینی غالب کند، فرمود: یعنی آنرا در زمان قیام قائم بر همه دینها غلبه دهد، خدا می فرماید: و خدا تمام کننده نور خود است یعنی ولایت قائم اگر چه کافران به ولایت علی علیه السلام نخواهند، عرض کردم: این تنزیل است.

فرمود: آری این حرف تنزیل است واما غیر آن تاویل است^۵.

۳. در تأیید این مطلب است روایت امیر المومنین علیه السلام که می فرماید: ظهور این آیه هنوز واقع نشده است و زمانی فرامی رسد که تمامی عالم، به کلمه لاله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

در صبح و شب شهادت می دهند.^۶

۴. مرحوم طبرسی در مجمع البیان از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل می کند: «انّ ذلك يكون عند خروج المهدي فلا يبقى احداً الا اقر بمحمد صلى الله عليه وآله».

وعده ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی علیه السلام از آل محمد صورت می پذیرد، در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد صلى الله عليه وآله می کند.^۷

۵. روایت را مرحوم فیض از کمال الدین و از تفسیر عیاشی از امام باقر نقل می کند و صورت کامل روایت چنین است: «عن الباقر علیه السلام القائم منا منصور بالربع، موبد بالنصر، تطوى له الارض وتظهر له الكنوز يبلغ سلطانه المشرق والمغرب ويظهر الله - عز وجل - به دینه على الدين كله ولو كره المشركون فلا يبقى في الارض خراب الا قد عمّر ويتزل روح الله عيسى بن مريم عليه السلام فيصلى خلفه» الحديث.

«قائم ما به وسیله وحشت انداختن در دل ظالمان یاری می شود، با پشتیبانی از جانب خداوند تأیید می شود، زمین برایش خاضع گردد، گنجها برایش نمایان می شود، حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمامی ادیان غلبه می دهد. هر چند مشرکان کراحت داشته باشند، در زمین هیچ خرابی و ویرانی نمی ماند مگر اینکه او آنرا آبادان می سازد و عیسی بن مريم عليه السلام از آسمان فرود آید پشت سر او نماز گذارد.»^۸

۶. وفي الاحتجاج عن امير المؤمنين عليه السلام «وغاب صاحب هذا الامر بايضاح الغدر له في ذلك لاشتمال الفتنة على القلوب حتى يكون اقرب الناس اشدّهم عداوة وعند ظهوره يويده الله بجنود لم تروها ويظهر دين نبيه على يدية على الدين كله ولو كره المشركون»

به سبب نیرنگها و توطئه هایی که بر علیه ایشان انجام گرفت ظاهر می شد، صاحب این امر غایب شد، چرا که فتنه هایی را در دلهای مردم برای مردم دربرداشت، گسترش فتنه ها تا آنجا بود که نزدیک ترین افراد به امام دشمن ترین آنها بود و در هنگام ظهورش، خداوند او را با لشکریانی که دیده نمی شوند یاری می فرماید و دین پیامبرش صلى الله عليه وآله را بر تمامی ادیان به دست مبارک وی غلبه می دهد.^۹

۷. در تفسیر مجمع البیان مرحوم طبرسی از پیامبر صلى الله عليه وآله چنین نقل می فرماید: «لا يبقى على ظهر الارض بيت مدر ولا وبر الا دخله الله كلمة الاسلام»

«بر روی صفحه زمین هیچ خانه ای باقی نمی ماند، نه خانه هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه هایی که از کرک و مو بافته اند مگر اینکه خداوند قدرت اسلام را در آن

وارد می کند. ۱۰»

۸. عنه، قال حدثنا يوسف بن يعقوب، عن محمد بن ابی بكر المقرئ ... عن ابن عباس فی قوله - عزوجل - (ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون) «قال: لا يكون ذلك حتى لا يبقى يهودى ولا نصرانى ولا صاحب ملة الا صار الى الاسلام، حتى تامن الشاة والذئب والبقرة والانسان والحية وحتى لا تقرض لافارة جراباً، وحتى توضع الجزية ويكسر الصليب ويقتل الخنزير وهو قوله تعالى (ليظهره على الدين ...) وذلك يكون عند قيام القائم عليه السلام».

ظهور آن حضرت وقتی به وقوع می پیوندد که هیچ یهودی و نصرانی و صاحب دین و شریعتی نمی مساند مگر اینکه به دین اسلام گرایش و تمایل پیدا می کنند و مگر وقتی که، گوسفند، گاو، انسان و مار با هم زندگی کنند و در امنیت از یکدیگر بسر برند و نیز واقع نمی شود مگر وقتی که هیچ موشی انبانی را نمی جود و واقع نشود مگر وقتی که جزیه به کلی برداشته شود و صلیبها شکسته شود و خوکها کشته شوند و این وقتی است که حضرت حجت علیه السلام ظهور کند^{۱۱}.

روایات دیگری مشابه روایت فوق باختلاف کمی بین آنها نقل شده که از بیان آنها صرف نظر کردم اما همین آیه، در تفسیر نمونه تحت عنوان «قرآن و قیام مهدی» تبیین شده است^{۱۲}. آیه فوق در سوره صف آیه ۹ نیز آمده و با تفاوت مختصری در سوره فتح آیه ۲۴ تکرار شده که خبر از واقعه ای می دهد که به علت اهمیتش تکرار شده است، یعنی خبر از جهانی شدن اسلام و عالم گیر شدن این آیین می دهد.

گرچه بعضی از مفسران پیروزی مورد بحث این آیه را به معنی پیروزی منطقه ای و محدود گرفته اند که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و یا زمانهای بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت اما با توجه به اینکه در آیه هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنی آن را محدود کنیم. مفهوم آیه پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است و معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد شد.

شک نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته ولی می دانیم که این وعده حتمی خدا تدریجاً در حال تحقق است.

سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناخته شدن این آیین در کشورهای مختلف اروپایی، نفوذ روزافزون و سریع آن در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و

شواهد دیگری مانند اینها، همگی نشان می‌دهد که اسلام رو به سوی عالم گیر شدن پیش می‌رود. ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد.

آیه دوم:

«ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون»

(انبیاء/۲۱، ۱۰۵)

«و همانا نوشته ایم در زبور، پس از ذکر، که زمین را بندگان صالح به ارث خواهند برد.» حافظ قندوزی، سلیمان حنفی، به اسناد خویش از امام باقر و امام صادق علیهم السلام درباره قول خدای متعال «ولقد كتبنا في الزبور ...» روایت کرده است که فرمودند: آنها قائم و اصحاب وی هستند.^{۱۳}

مؤلف کتاب موعود قرآن می‌نویسد: تا این تاریخ چنین نشده است که زمین به ارث رسد و حکومت الهی واحدی که سیطره آن تمامی نقاط زمین را فراگیرد، بر آن فرمانروایی کند (نه در عهد پیامبر اسلام و نه در دوران خلفای او) و جز این نیست که شخص ذخیره شده برای این کار همانا امام مهدی منتظر علیه السلام است.

توضیح:

«زبور کتابی است که بر داود علیه السلام نازل شده است. ذکر یعنی تورات که بر موسی علیه السلام نازل شده است. مرحوم آیت الله شهید دستغیب می‌فرمایند: از مطالب مسلم که در مذهب شیعه ضروری است و علاوه بر برهانهای عقلی که بر آن اقامه شده است، دلیل‌های نقلی و روایات متعدد نیز رسیده، این است که از ابتدای آفرینش تا قیام قیامت، هیچ وقت زمین از حجت خدا خالی نیست، خواه پیغمبر یا وصی او یعنی امام، زیرا چنانکه زمین از حجت خالی بماند، دستگاه آفرینش بهم می‌خورد و این آیه شریفه را دلیل بر این مطلب می‌دانند.^{۱۴}

در تفسیر نمونه ذیل این آیه شریفه^{۱۵} تحت عنوان نکته‌ها آمده است:

نکته اول: در بعضی از روایات صریحاً این آیه تفسیر به یاران مهدی علیه السلام شده است. چنانکه در مجمع البیان ذیل همین آیه چنین می‌خوانیم «هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان»^{۱۶} در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است: «أن الأرض يرثها عبادي الصالحون» قال: القائم واصحابه.

منظور از اینکه زمین را بندگان خدا به ارث می‌برند، مهدی قائم علیه السلام و یاران او هستند.^{۱۷}

علاوه بر روایات فوق که در خصوص تفسیر این آیه وارد شده است روایات بسیار زیادی که بالغ به حدّ تواتر است از طریق شیعه و اهل تسنن در مورد مهدی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و همچنین از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده که همه آنها دلالت بر این معنی دارد که سرانجام حکومت جهان به دست صالحان خواهد افتاد و مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد.

نکته دوم: بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود:

جالب اینکه در کتاب «مزامیر داود» که امروز جزء کتب عهد قدیم بشمار می رود عین تعبیری که در آیات فوق خواندیم یا مشابه آن، در چند مورد آن دیده می شود و نشان می دهد با تمام تحریفاتی که در این کتب به عمل آمده، این قسمت همچنان از دستبردها مصون مانده است.

۱. «... زیرا که شریران منقطع می شوند و امامتوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می شود، هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد شد.»

۲. و در جمله ۱۸ از همین زبور آمده است «خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد.»

این تعبیرات، دلیل بر عمومیت حکومت صالحان است و کاملاً با احادیث قیام مهدی علیه السلام تطبیق می کند.

۳. حکومت صالحان یک قانون و بر اساس سنت آفرینش است: از این نکته ما تنها نتیجه آن را می نویسیم ص ۵۲۴ تفسیر نمونه: وجود نظام آفرینش دلیل روشنی بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده، در جهان انسانیت خواهد بود و این همان چیزی است که از آیه مورد بحث و احادیث مربوط به قیام «مصلح بزرگ جهانی» (مهدی ارواحنا فداه) استفاده می شود.

یعنی چنانکه نظم جهان نشان دهنده قانون تکوینی حاکم بر جهان آفرینش است، حکومت صالحان هم یک حکومت قانون دار و منظم است که بالاخره حاکم بر مجموعه زمین خواهد شد.

چنانکه جامعه انسانی نمی تواند با هرج و مرج خود را از مسیر رودخانه عظیم جهان آفرینش که همه در آن با برنامه منظم پیش می روند، کنار بکشد. بشریت نیز خواه ناخواه در برابر نظام عالم هستی باید سر فرود آورد و قوانین منظم و عادلانه ای را بپذیرد، به مسیر اصلی (عدل و نظم کل جهان) باز گردد و هماهنگ با این نظام شود. این یک تحلیل فلسفی و یک واقعیت است. بنابراین جمله که «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» پیش از اینکه یک وعده الهی باشد یک قانون تکوینی محسوب می شود.

و مرحوم شیخ عباس قمی (ره) می فرماید: فراگرفتن آن حضرت تمام زمین را از مشرق تا مغرب، بر و بحر و معمور و خراب و کوه و دشت، نماند جایی که حکمش جاری و امرش نافذ نشود و اخبار در این معنی متواتر است^{۱۸}.

۱. ماخوذ از مقدمه کتاب موعود القرآن، نوشته صادق حسینی شیرازی، ترجمه مؤسسه الامام المهدی، طبع ۱۳۶۰.
۲. ترجمه از تفسیر نمونه، ۳۷۲/۷.
۳. فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن، ۶۹۷/۱-۶۹۸، چاپ مکتبه الاسلامیه.
۴. طبرسی، مجمع البیان، ۷۶/۱۱ ذیل آیه؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه فی اثبات الغیبه و کشف الحیره، ۶۷۰/۲، ح ۱۶؛ بحرانی، هاشم، المحججه فی ما نزل فی القائم، ص ۸۵؛ عیاشی، ۸۷/۲.
۵. کلینی، کافی، مترجم، ۳۱۱/۲، ح ۹۱؛ بحرانی، المحججه ...، ص ۸۷.
۶. عن عبایه بن ربیع، انه سمع امیر المومنین علیه السلام یقول (وهو الذی ارسل رسوله بالهدی ...) اظهر ذلك بعد؟ قال کلاً والذی نفسی بیده حتی لا یبقی قریه الا (و) نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله، وان محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله بسکرة وعشیا. بحرانی، المحججه ...، ص ۸۶؛ فیض، صافی، ۶۹۷/۱.
۷. طبرسی، مجمع البیان، ۲۵/۵ و مترجم، ۷۶/۱۱؛ المحججه ...، ص ۸۷.
۸. کمال الدین و تمام النعمه، ۳۳۱/۱.
۹. الصافی فی تفسیر القرآن، ۶۹۸/۱.
۱۰. مجمع البیان، مترجم، ۷۶/۱۱.
۱۱. المحججه ...، ص ۸۶، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می فرماید: این روایت در الدر المنثور است که سعید ابن منصور و ابن منذر و بیهقی در سخن خود از جابر روایت کرده اند و بعد از نقل روایت می فرماید: مراد به لغو جزیه، به قرینه صدر روایت این است که موضوعی برای جزیه باقی نمی ماند. و اینکه داشت: در آن روز کفر و شرکی روی زمین باقی نمی ماند، معنایی است که روایات دیگر نیز بر آن دلالت دارند.
۱۲. تفسیر نمونه، ۳۷۲/۱۵.
۱۳. عقد الدرر، باب هفتم، ص ۲۱۷، موعود القرآن، ذیل آیه یاد شده.
۱۴. دستغیب، مهدی موعود، ص ۷۴.
۱۵. تفسیر نمونه، ۵۱۸/۱۳.
۱۶. مجمع البیان، ۶۶/۷، چاپ بیروت، چاپ ۱۳۷۹.
۱۷. قمی، تفسیر قمی، ۷۷/۲، تصحیح و تعلیق، موسوی جزیری، دار الکتاب، قم، چاپ ۱۴۰۴.
۱۸. قمی، منتهی الامال، ص ۲۹۲، خصیصه ۳۴. بعد از بیان این مطلب آیه ۸۳ سوره آل عمران را نقل می کند: له اسلم من فی السموات والارض طوعاً و کرها.